

همایش نقدی بر سدسازی برگزار شد:

این همایش سومین همایش در مورد سدسازی در ایران بود. در سال ۱۳۸۷ اولین بار این سمینار برگزار شد و از آن به بعد، روز ۲۹ اردیبهشت روز ملی حفاظت رودخانه‌ها در برابر سدسازی نام گرفت. در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه صنعتی اصفهان همایش بزرگی برگزار شد که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های منابع طبیعی اصفهان، مشهد و تهران و انجمن پیام سبز دانشگاه اصفهان شرکت فعال داشتند و شمار زیادی از سازمان‌های مردم نهاد طرفدار محیط‌زیست نیز شرکت داشتند.

روز جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ کانون مهندسان، میزبان همایش نقدی بر سدسازی در شهرستان بابل بود. این همایش به دعوت انجمن کوهنوردان ایران، دفتر بابل، و با همکاری گروه دیده‌بان کوهستان این انجمن، انجمن یاوران زمین بابل، انجمن دوستداران دماوند، جامعه کوهنوردان بابل، موسسه توسعه پایدار و طبیعت (سنستا) و گروه کوه نوردان کانون مهندسان بابل با بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کننده برگزار شد.

در این همایش، آقایان سرمت رسول و ایبک تاسلی نیز سخنرانی کردند که از منتقدان و مخالفان سدسازی در ترکیه هستند. سرمت در این باره گفت: مجموعه طرح‌های بزرگ سدسازی در جنوب شرقی ترکیه، ده‌ها هزار نفر را از خانه و زادگاه خودشان آواره خواهد کرد. کشاورزی بوم و بوم‌سازگان رودخانه‌ها را در پایین دست ویران و آثار تاریخی بی‌مانندی را غرق خواهد کرد. از جمله این آثار شهر و منطقه تاریخی حسن کیف است که پیشینه ۱۲ هزار سال سکونت انسانی را دارد. سرمت گفت: بانک جهانی و دولت‌های اروپایی به دلیل مخالف گسترده مردم منطقه که بیشتر کرد هستند، از حمایت مالی بعضی از این طرح‌ها کنار کشیده‌اند. اما ارتش ترکیه ساخت این سد‌ها را به عهده گرفته است. او اشاره کرد که فقط با ساخته شدن سد ایلی سو، حدود چهل درصد آب رودخانه‌های دجله و فرات کم خواهد شد. برنامه‌های سدسازی در ترکیه بر کشورهای ایران و عراق به شدت تاثیر می‌گذارد و جا دارد که منتقدان سدسازی در این سه کشور با هم همکاری داشته باشند. در ادامه عباس محمدی از دیده‌بان کوهستان گفت: تعداد سد‌های ساخته شده پس از انقلاب حدود پنجاه برابر اما مساحت زیر پوشش سد‌ها فقط سه برابر شده و حتی در همین مساحت هم شبکه‌های ۳ و ۴ که آب را به کشتزارها می‌رساند ساخته نشده است.

در این همایش فاطمه ظفرنژاد که از منتقدین سرسخت

سدسازی در ایران است در نقد طرح‌های مدیریت سازه‌ای آب، به اثرات سدسازی بر رودخانه‌های زاینده رود، کارون، ارومیه اشاره کرد. وی گفت خشک شدن تالاب گاوخونی و رودخانه کارون و عقب نشینی بی‌سابقه دریاچه ارومیه و بطور کلی عاری شدن این سه پیکره ارزشمند آبی از حیات و آسیب دیدن کشاورزی و زندگی مردم در این حوزه‌ها نتیجه سدسازی بسیار بوده است.

در حاشیه این همایش مصاحبه اختصاصی با مهندس ظفرنژاد انجام شد که متن گفته‌های ایشان به شرح زیر می‌باشد.

ظفرنژاد در مورد اثرات سدسازی در ۲ حوزه گفت: برای حوزه آبریز ارومیه ۹۲ سد تعریف شده که ۴۰ سد ساخته شده، ۱۲ سد در دست اجراء است و ۴۰ سد نیز در دست مطالعه دارد. از ۴۰ سد ساخته شده است. سه سد زرینه رود، سیمینه رود و باراندوست نزدیک به ۱/۵ میلیارد از آورد ورودی آب به دریاچه ارومیه را جلوگیری می‌کنند. ورود آب شیرین به دریاچه تقریباً قطع شده است. سدسازی‌ای که فواید آن به درستی راستی آزمایی نشده است. برای مثال، سد زرینه رود ساخته شده تا اراضی پایین دست آن دوباره آبیاری شوند یعنی پایین دست آبی بود. شبکه سنتی زرینه رود در میاندوآب وجود دارد و به این ترتیب اراضی پایین دست زه دار شد و شوره بست و چیزی به عمل نمی‌آید!

دریاچه الان بیش از ۲۰۰ هکتارش از بین رفته و واقعیت این است که خشکیدن دریاچه ارومیه تهدیدی است برای سلامت زندگی ۶ میلیون انسان که در حال صورت گرفتن است.

ظفرنژاد اذعان داشت: متأسفانه وزارت نیرو نه تنها نمی‌پذیرد این مشکلات را ایجاد کرده، به جای آن که دریاچه سد‌ها را باز کند و یا سد‌ها را جمع کند، پیشنهاد می‌دهد از «زاب» و «دیاله» با تونل آب بکشند و در ارومیه بریزند و یا با باروری ابرها، باران ایجاد کنند. که روش فانتزی باروری ابرها واقعا خنده دار است.

وزارت نیرو نمی‌داند حقایق دریاچه سالانه ۵/۵ میلیارد مترمکعب است در این صورت حتی اگر انتقال حوزه به حوزه امکان پذیر شود. بیشتر از حداکثر ۵۰۰ میلیون مترمکعب نمی‌تواند جابجا کند. ظفرنژاد معتقد است که راه‌هایی که مهندسين ساخت و ساز برای مدیریت آب می‌دهند اکثراً غلط است چرا که آنها از دید ساخت و ساز به مسئله منابع آب می‌نگرند نه از دید مدیریت منابع آب.

ظفرنژاد در مود دومین حوزه، یعنی کارون می گوید: ساخت و ساز در سرشاخه کارون بزرگ که دز و کارون باشد شامل تونلهای زیر می باشد:

تونل انتقال کوه‌رنگ ۱ با گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب
 تونل انتقال کوه‌رنگ ۲ با گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب
 تونل انتقال کوه‌رنگ ۳ با گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب
 تونل انتقال چشمه لنگان با گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب
 تونل انتقال دز به قمرود با گنجایش ۲۰۰ میلیون مترمکعب
 تونل انتقال به کاشان با گنجایش ۲۰۰ میلیون مترمکعب

به این ترتیب میلیاردها مترمکعب از سرشاخه های دز و کارون بدون هیچ گونه توجه به حقابه کشاورزان و جوامع بومی جلگه بزرگ خوزستان برداشت می شود. در عوض با این آب ها چندین کارخانه فولاد در اصفهان، قم، یزد می سازند. این کارخانه ها از دید ظفرنژاد نادرست ترین شیوه توسعه به شمار می رود و کوچکترین وجه مشترکی با توسعه پایدار ندارد زیرا صنایع فولاد در نقاط خشک و یا در جایی که آب کم دارد مثل کشور سوئیس ایجاد نمی شود معمولا صنایع فولاد را با آب های متعارف می سازند، مثل آب شور تا آب شیرین را به طرف کارخانه فولادسازی روانه نکنند. در ایران مبانی هماهنگی توسعه با اقلیم رعایت نشده و این باعث شده ما توسعه ای بسیار ناموزون، بسیار پر مصرف و بسیار مخرب محیط زیست داشته باشیم. برای کارون بزرگ ۹۹ سد تعریف کرده اند، ۲۰ سد ساخته شده، ۲۰ سد در دست ساخت است و ۵۹ سد در حال مطالعه می باشند.

نظر ظفرنژاد د مورد سومین حوزه یعنی زاینده رود چنین است: او معتقد است که اصول شهرسازی ما دچار نابسامانی عمیق است. الگوهایی را تقلید کردیم که مال ما نیست. با اقلیم، معماری و هنر زیبایی ایرانی هماهنگ نیست. با خورشید پیر سخاوت ایران می توان انرژی برق تولید کرد. در معماری قدیم، ساختمانی که می ساختند حساب پسماند، انرژی و تأمین آب را می کردند که صفر شود. بطوریکه در زمان مجاز آب باران را بگیرد و یا از قنات نزدیک خودش آب بگیرد نه اینکه از کشاورزان خوزستان آب برداریم به شهرستان قم بدهیم. در آخرین مرحله باید تصفیه کند و به فضای سبز ریخته شود.

در سال ۱۳۴۸ سد ۱/۵ میلیارد مترمکعبی را بر آن زده و در زمان پهلوی دوم بلافاصله روستاهای پایین آب مثل روستای شاخ کنار حقابه اش ضبط شد و شروع به خشک شدن کرد. شهر

تاریخی ورزنه که متعلق به هزاره سوم است حقابه اش را از دست داد و مردم آن مهاجرت کردند. شهری که در سال ۱۳۴۸ شهردار داشت، تمام منابع معیشتی اش را از دست داد و کارخانه های پارچه بافی آن اکنون تکمیل شده در حالی که شیخ بهایی ۴۰۰ سال پیش حقابه همه اینها را حساب کرده بود.

۳۹ سد در حوزه زاینده رود تعریف شده که ۱۸ سد در دست بهره برداری، ۲ سد در دست ساخت و ۱۹ سد در دست مطالعه است. آب این حوزه هم به کارخانه فولاد می رود و هم به یزد. ظفرنژاد ادامه داد: در بالادست ها برای کشت برنج مجوز داده شده که حقابه ها را اصلا در نظر نگرفته اند. آب که متعلق به جوامع بومی مولد بوده یعنی کشاورزان، باغداران و عشایر از این ها سلب نشود و به خاک سیاه نشانده می شوند و آب را به اقشار تازه به دوران رسیده شهری با مصالح ناهمساز با توسعه پایدار دادیم و آن وقت نام آن را توسعه می توان گذاشت؟ در جریان سدها بسیاری از منابع و ثروت ملی یعنی جنگل ها زیر آب رفتند.

سد کارون ۱، ۲۸۵ کیلومتر مربع جنگل های زاگرسی به زیر آب رفت

سد گتوند، ۳۲۵ کیلومتر مربع

سد کارون ۳، ۲۲۳ کیلومتر مربع

سد کارون ۴، ۱۲۸ کیلومتر مربع

سد فرهان ۳، ۸۸ کیلومتر مربع

در انتها، ظفرنژاد اذعان داشت که نقص آشکار اصول ۴۴، ۴۸، ۵۰ قانون اساسی انجام گرفته است.

روند شگفت انگیز سدسازی در کشور نشان می دهد که اکنون سدسازی افراطی لجام گسیخته ای در آبخیزهای کشور در جریان است که با اثرات بسیار منفی بر سیمای سرزمین و پیکره های آبی از رودها تا تالاب ها و دریاچه ها و نیز با پیامدهای جدی جنگل و مراتع زدایی همراه است.

نرگس روحانی